

## نقش های فراموش شده ی وکیل دادگستری

(متن تلخیص شده)

وکیل دکتر رضا مقصودی

می گویند زمانی از شکسپیر پرسیده بودند چطور می تواند هم زمان هم تراژدی و هم کمدی را به حد کمال بنویسد درحالی که دیگران اگر در یکی به استادی برسند، دیگری را به تمامی از دست می دهند. شکسپیر جواب داده بود: "برای نوشتن کمدی ابتدا یک تراژدی می نویسم و بعد آن را از زاویه دید کس دیگری روایت می کنم."

این جمله معروف هر چند به شکسپیر منتسب است، اما از آنچنان مرتبه ای برخوردار است که حتی اگر از وی نباشد نیز، چیزی از حقیقت آن کم نمی کند.

آنچه درباره نقش و اثر وکیل دادگستری در جامعه ما تراژدی است، از زاویه دید کسی که در نظم نوین با مفاهیم مدرن و جهان شمول مدنیت و دموکراسی، دادخواهی، دادرسی عادلانه، دفاع از حق و لوازم، لواحق و اسباب آن آشنا و مانوس است، امری شبیه کمدی است!

وکیل دادگستری در زمان ما از اثر، کارکرد و فلسفه وضع خود چنان دور افتاده که فاصله اش با شاکله وکالت مطابق آنچه از سوابق و آثار اسلاف و بزرگان این حرفه برمی آید و واضعین وکالت از این عنصر گرانقدر در روح و ذهن خود پرورش داده و توقع داشتند، "بَعْدُ الْمَشْرِقَيْنِ" است! بگونه ای که بجای بالندگی، رشد و پیشرفت و تعالی این ودیعه ارزنده، حتی دستاوردهای چند دهه پیش نیز که با مجاهدت و فداکاری و از دست دادن های بسیار حاصل شده بود، اکنون در معرض تهدید جدی و یا غفلت و نسیان قرار گرفته است. نقش وکیل تنها به دفاع از دعاوی محدود شده که آن هم غالباً وقتی به وکیل مراجعه می شود که فرد از پیگیری و موفقیت در پرونده از طرق و وسائل دیگر بکلی ناامید یا دعوی به محکومیت وی منجر شده، از فرط استیصال توقع اعجاز دارد.

آنچه این دوگانه تراژدی-کمدی را آشکارتر، غمبارتر و اثبات آنرا آسان تر می کند، پذیرش و باور این وضع در ذهن و روح وکیل، فراموش کردن مسئولیت وکیل بودن و پذیرش وکالت بعنوان شغلی بمثابه سائر مشاغل، بی تفاوتی در قبال سرنوشت خود و حوادث و رخدادهای پیرامون، خو گرفتن و عادت به روزمره گی، اعاشه و کسب و کاری بی دغدغه و در مقابل تهدیدات و خطرات، تسلیم را تمکین کردن است. این حالت چنان مرتبه ای از شمول، افراط و اغراق بخود گرفته که وضع ما را شبیه شهر طاعون زده آلبرکامو ساخته که گوئی هر کس از این بَلِّیه مصون مانده، بیمار می نماید!

برای آنکه مرور زمان، تطاول ایام و بدعهدی روزگار مسئولیت، نقش، اثر و کارکرد وکیل دادگستری را بکلی ازخاطر محو نساخته، به محاق و وادی نسیان نکشاند، اجمالاً مرور و نظری به برخی از این آثار خواهیم داشت:

### ۱- پیش بینی، پیش گونی و پیشگیری قضایا

همانگونه که انسانها برای پرهیز از ابتلا به امراض مختلف با مراجعه به پزشک از روش های پیشگیرانه استفاده می کنند، در دنیای مدرن نیز نقش وکیل در امنیت زندگی فردی و اجتماعی هر شخص مانند پزشک یک نقش محوری، اصیل و بی بدیل است.

### ۲- بررسی و تهیه و تنظیم قوانین هماهنگ با پیشرفت اجتماع

در دنیای امروز هیچ قانونی قبل از آنکه از طرف وکلای دادگستری و مشاورین حقوقی بررسی شود، به قوه مقننه داده نمی شود. وکیل بعنوان مجری قانون و کسی که با نقص، خلاء و آسیب های قوانین عملاً آشناست، بهترین ملجا و تکیه گاه در شناسائی ظرفیت های حقوقی موجود در قوانین و جرح و تعدیل و تنظیم قوانین مورد احتیاج جامعه است.

### ۳- حافظ، حامی و مددکار دادخواهان و ستمدیدگان

وکالت از ابتدا بر پایه دفاع و حمایت پی ریزی شد و به همین جهت در طول زمان و عرض زمین صفت بارز و شیوه مُستَحَسَن ایستادگی و عدم تمکین در برابر ناحق، تبعیض و نابرابری اجتماعی را با همه خطرات و خسارات در خود حفظ و تقویت کرده است.

### ۴- رشد و بالندگی آراء، رویه ها و موازین قضائی

فراغت، استقلال و ابتکار عمل که در عنصر وکالت نهفته است موجب شده تا وکیل دادگستری با دقت، پژوهش و کنکاش بهتر و بیشتری به جوانب و رموز مختلف پرونده پرداخته و با مطالعه و تطبیق دکترین حقوقی بر حقوق زنده و امتزاج قضا با دفاع، رویه قضائی تازه خلق کرده، عدالت را بر مسند خود بنشانند. لذا امروزه بخش چشمگیری از منابع حقوقی معتبر محصول پژوهش و تجربه ارزشمند وکلای دادگستری است.

### ۵- نظارت بر حسن جریان قوانین

حقوقدانان و خاصه وکلا پاسدار و نگهبان حاکمیت قانون هستند. وکیل در عین اینکه مجری و تابع قانون است، منتقد و عیب جوی قانون نامناسب است.

## تنبیهات:

۱- نقش های فراموش شده وکیل، همان "اسطوره های مشترک" یا "سرمایه های نمادین" هستند.

۲ - برای بازآفرینی نقش های فراموش شده وکیل در اجتماع بکوشیم.

۳- دیربست جای نقش های اصلی فراموش شده را اموری فرعی، کاذب و تصنعی گرفته و وکیل موفق معادل وکیل پولساز به نگاه اجتماع تحمیل شده است.

خدایا این چه حکمت است؟!